



صنعتگران و خوشنویسان هرات

در عصر تیموریان



اگر چه زلد کبابی او بشکل روشن معلوم نیست مگر می توان به یقین گفت سلطان علی در هرات نشو و نما یافته و هم در آنجا تعلیمات خود را فرا گرفته است این مرد شهیر نه تنها خطاط بلکه شاعر زبردست و عالم متبحری نیز بود چنانچه میر علی شیر نوائی در تذکره معروف خود از وی یاد کرده است. در تمام کتب و ماخذ از سلطان علی ذکر شده حبیب السیر میگوید: بوجاهت صورت و محاسن سیرت موسوف بود در خط نسخ و تعلیق آنمقدار مهارت حاصل نمود که خطوط استادان متقدمین و متأخرین را منسوخ ساخت و در زمان خاقان منصور (حسین بایقرا) همواره با اشارت آنحضرت و التماس امیر نظام الدین علی شیر بکتابت نسخ شریفه پرداخت و گاهی به نظم اشعار نیز زبان میکشاد (۱) طوریکه در سطور متذکره فوق میبینیم سلطان علی در زمان تألیف حبیب السیر یعنی در سنه ۹۳۰ به قید حیات نبوده است.

(۱) صنفه ۲۴۴ حبیب السیر طبع هند (۱۸۴۷ عیسوی)

بعضی تاریخ فوت او را سنه ۹۰۴ هجری (۱) برخی سنه ۹۱۹ (۲) و گروهی سنه ۹۲۹ نگاشته اند (۳) بهر حال عمر دراز و طولانی داشته و متجاوز از شصت سال حیات کرده است چنانچه خود میگوید:

مرا عمر شصت و دوشد بیش و کم هنوزم جوان است مشکین قلم
 تو ام نو شستن خفی و جلی نویسم که العبد سلطان علی
 معلوم است که مولانای موصوف تانفس اخیر ایام کهوات و بیبری دست از
 نوشتن انکشیده است در حالات هنروران ازو چنین تعریف شده: «مولانا سلطان علی»
 باوجود فضائل مثل شعر هموار فن ادوار و حسن اخلاق و اطوار خط نستعلیق را
 بسر حدی رسانیدند که تا ابتدای این خط است تا غایت هیچ کس بدان فایز نگشته
 و بقدم سعی بر آن وادی نگذشته و نام نامیش بوما فیو ما بر صفحه روزگار
 خواهد بود. (۴)

سلطان علی علاوه بر آن که چندین خط را بنهایت خوبی و استادی می نوشت
 و به عده زیادی ازها گردان خود درس عملی میداد رساله هم در اصول و قواعد
 رسم الخط نوشت (۵) آثار و نسخه هائیکه از این استاد ز بر دست باقی مانده
 خیلی ها زیاده است و موزه های دنیا با آن زینت گردیده. مدفن او در مشهد
 مقدس رضوی است.

سلطان محمد نور: از شاهین خطاطان و خوش نویسان هرات است پدر او مولانا نور الله
 نام دارد و ازین سبب در بعضی از ماخذ بنام سلطان محمد نور یاد شده است. این مره
 هنر مند همیشه در هرات می بود و در خارج از آنجا مسافرت نکرده است و بااگر
 گاهی هم کرده باشد معلومانی بدست نیست. میر علی شیر نوائی و سلطان حسین باقرا

(۱) صفحه ۴۹ تذکره خوشنویسان مولانا غلام محمد هفت قلمی دهلوی بحران
 مرآت اللم

(۲) صفحه ۳۳۰ جلد سوم حبیب السیر

(۳) صفحه ۶۹ تحفه سامی طبع طهران

(۴) صفحه (۱۶) حالات هنروران طبع هند.

(۵) صفحه ۶۸ شماره ۶۱ سال ۶ مجله کابل

اورا بسیار دوست داشتند سنه نو ادا معلوم نیست . سلطان محمد در جمله کارمندان
 لیکارستان حسین بایقرا سهم بزرگی را در قسمت خطاطی و خوشنویسی دارا بود . در این
 بر علاوه آنکه در صنعت خطاطی و خوشنویسی مقام از جمندی را در تاریخ هرات احراز
 نموده یکی از شعرائی صاحب قریحه آن سرزمین باغیض نیز بشمار می رود از اوست :

بدوران عقده زلف ترا خواهم که بسکشایم
 ازین سودا شدم دیوانه و زنجیر می خایم

سلطان محمد در خطاطی و خوشنویسی شاگرد معین الدین واعظ بود و آنرا
 در اثر تربیت این استاد بحد کمال رسانید . مولینا سلطان محمد نه تنها با مر کب
 و سیاه خط مقبول و زیبای نوشت بلکه با اقسام رنگها انواع خطوط متداول زمان
 مخصوصاً نسخ تعلیق را با اندازه قشنگ و صاف می نوشت که از خط مر کب و سیاهی
 او بهتر می بود . چون سلطان محمد مرد بیکو سیرت و خلیق بود و صحبتش فوق العاده
 شیرینی و عذوبت داشت همه او را دوست و محترم میدانستند .

سنه مر کب و تاریخ وفات سلطان محمد نور نیز معلوم نیست ولی چیزی که
 ثابت است اینست که در طولانی داشته و بسن ۶۳ سالگی وفات کرده است (۱) و ازین قرار
 بصورت تخمین می توان گفت که باید در حدود ۹۲۰ - ۹۵۰ جهان فانی را بدرود
 گفته باشد .

نسخه ها و آثار قلمی این استاد شهریاران خیلی ها کم یاب و نادر است قطعات
 و نمونه های خط او چه در عصر خودش و چه در زمان مابعد خیلی ها قیمت و ارزش
 داشتند و مردم آنها را با پول و قیمت گزافی بدست می آوردند . یک قطعه خط
 او که با قلم نستعلیق نوشته شده در موزه بوستون موجود است .

درین قطعه خطی دو رباعی و دو غزل که یکی آن غزل امیر شاهی
 است به خط سلطان محمد نور و یک رباعی به خط محمد مذهب و رباعی دیگر
 بخط مولاناری مذهب نوشته است سلطان محمد نور در زیر هر رباعی و غزل بصورت
 جداگانه امضاء نموده و مضمون امضای او در زیر غزل امیر شاهی چنین است :

«مشقه العبد الفقیر سلطان محمد نور» و سلطان محمد نور بمدينه الهرات .

«ش»

شبلی: مولانا از اوبه هرات و به حسن خلق و سیرت نیکو و اشتهار تمام داشت . اشعار خوب می‌گفت و از جمله خطوط مروجۀ آنوقت چندین خط و منجمله تعلیق را خوب می‌نوشت . طبع شعرش روان بود و از جز کتابت و استنساخ کتب و گاهی هم غزل سرائی و ظیفه‌نمائی در زمان سلطان ابو سعید بن سلطان محمد بن میرانشاه بن تیمور (۸۵۴-۸۷۳) زندگی میکرد و تا اوایل سلطنت سلطان حسین بایقرا نیز حیات داشت . این دوبیت را از او نقل میکنند :

دی‌سکی را رقیب میزد چوب سگ همی خورد چوب و می‌نماید

گفتمش چیت با تو اورا گفت بهتر از خود نمی‌توانم دید

شفیعا: میرزا شفیع ملقب به پیشوا و از خطاطان هرات است . دو هنرهای

زیبا و کمالات مختلفه مقام بزرگی داشت . یعنی علاوه بر آنکه چندین خط مخصوصاً خط شکسته را بکمال زیبایی می‌نوشت از نقاشی رسامی و تذهیب کاری هم بی‌بهره نبود . در قرن یازدهم هجری میزیسته و سفری به هندوستان کرده است .

بلاخره بهرات بازگشته و هشتاد و پنج سال عمر نموده است . (۱) و در سنه ۱۰۸۱ هجری فوت کرده و در هرات مدفون شده است . (۲)

شفیق: از سادات هرات است . دو خوشنویسی و خطاطی شهرت زیاد داشت

اقسام خطوط مخصوصاً شکسته را با اندازه قشنگ و استقامت می‌نوشت که می‌توان گفت یگانه عصر بود . والد ارغستانی صاحب ریاض الشعرا می‌گوید : شفیق در کاغذ حلوا که بخط جلی بر او قلم گذاشتن مشکل است در کمال شیرینی بخط شکسته خفی به نعوی می‌نوشت که بسحر میر سید راقم حروف کحل الجواهر خطش را به جهت ضیاء بسیار بدیده حیرت کشیده است . شفیق مرد متدین و ریاضت کش بوده طبع شعر نیز داشت .

(۱) ص ۲۲۰ بیدایش خط و خطاطان

(۲) ص ۴۰۶ تذکره نصر آبادی طبع طهران ۱۳۱۷ شمسی

شمس الدین الهروی : از خوشنویسان و خطاطان شهر عصر شاه رخ میرزا است. پس از اتمام تحصیلات ابتدائی و انتهای در خوشنویسی شاگرد مولانا معروف خطاط شد. بایسنقر میرزا از اول حمایت و تقدیر زیاد می نمود و همیشه بدر بار او مورد ملاحظت و نوازش واقع می شد. چنانچه بهمین مناسبت او را اکثراً شمس الدین الهروی بایسنقری میخوانند. بسیار احتمال میرود که شمس الدین یکی از اعضاء و ارباب کمان مهم چهل گانه نگارستان هرات باشد که در زمان بایسنقر تاسیس و بنا یافت. در تعریف خط او صاحب حبیب السیر میگوید :

بحسن خط بمرتبه ترقی نمود که بسیاری از خطوطش را بنام باقوت مستعصمی کرد و مبصران نکته دان این معنی را قبول فرمودند. تاریخ سنه فوت او بدست نیامد.

شیخ عبدالله کاتب : از نویسندگان و خطاطان قرن دهم هرات است. و او

غیر از عبدالله شپز و خواجه عبدالله مروارید میباشد. در دوره فرمانروائی سلطان حسین بایقرا میر بستمه و مدت مدیدی بخدمت امیر علیشیر نوائی وزیر معروف هرات مصروف بوده است صاحب خلاصه الاخبار می نویسد که قریب ۶۵ سال است که مولانا شیخ عبدالله خدمت و ملازمت امیر عالیقدر را نموده و شرف مصاحبت و موافقت دارد و از سلك مشاهیر و فضلاء محسوب است. (۱)

شیخ مصروف خط تعلیق و نستعلیق را بجهت نهایت زیبایی و لطیف می نوشت و در شعر و ادب و انشا نیز قریحه خوبی داشت در سال ۹۴۸ هجری قمری در هرات وفات نموده است.

ص

صالحی هروی الاصل است در هند بربر ده و در زمان اکبر شاه مغلی هند شهرت بسزا یافته بود. در شعر طبع خوبی داشت. از اغلب علوم باخبر بود. خطوط متداول خوب می نوشت و او را از خوشنویسان درجه دوم می شمردند مدتی در سلك منشیان اکبر بوده (۲) بالاخره به وطن مالوف خود یعنی هرات باز گشته وفات یافته است.

(۱) گانگسپون سال ۳ مجله ادبی هرات.

(۲) صفحه ۲۵۸ جلد ۳ منتخب النوار بیخ بدوانی طبع هند.

ص

ضیاء الدین یوسف : از جمله خوشنویسان هرات و پسر مولانا عبدالرحمن جامی است (۱). علاوه بر فضل و کمال که در عروض و زبان فارسی و غیره داشت در چندین خط استاد بود مخصوصاً نستعلیق را بطرز و اسلوب میر علی الیکاتب هروی فوق العاده زیبای نوشت در زمان سلطان حسین بایقراوندگانی میگذرد. در حدود سنه ۹۰۰ هجری وفات کرده است.

ط

طاهری: از ناموران هرات است. با سلطان حسین بایقراهمعصر بود و در زمان ایشهرت یافته است. اگر چه ابتدا به شغل کفش دوزی مشغول بود اما در اخیر نظر به ذوق و استعداد فطری که داشت تغییر شغل داده به خوشنویسی و شعر سرائی پرداخت (۲) در شعر طبع خوب داشت و در خطاطی مهارت کاملی حاصل کرد سنه وفات او بدست نیامد.

ع

عارف: از استادان شعرو خوشنویسان هرات است در قرن نهم هجری زنده گئی میگردید با سلطان حسین بایقراهمعصر بود از جمله خطوط مخصوصاً نستعلیق را خوب می نوشت ()
 عبدالله (میرزا): از خوشنویسان و خطاطان معروف قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ هجری هرات است. با اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان معاصر بوده است چندین خط و مخصوصاً خط ثلث و ربیعان و کوفی را فوق العاده خوب می نوشت. در سنه ۱۲۹۶ هجری شمسی پدرود حیات گفته است و امویته خط او در موزه کا بل محفوظ است.

(۱) صفحه (۷۱) تذکره خوشنویسان.

(۲) صفحه ۱۹۷ تذکره حسینی طبع لکنه پور.

(۳) تذکره روشن طبع هند.

عبدالکریم (راد امیر ابو الفتح) امیر ابو الفتح عبدالکریم بن احمد احنامی الهروی از مشاهیر علماء و هنرمندان هرات است. نواریخ و تذکره ها کمتر در خصوص او سخن رانده اند. تنها محمد عوفی در کتاب لباب الالباب، خویش میگوید: «حانمی که حاتم عهد و حامی ارباب جهند بود بر عوام ولایت هرات داعی و ارباب فضل و هنر را داعی افضل کتاب عهد و اکمل ارباب فضل بود با خطی چون در مکنون و نظمی چون زر موزون و او فارس هر دو میدان دوالی هر دو بیان بود» (۱) در فارسی و تازی شعر میگفت: این قصیده در نوسیف بهار اوست:

آمد بهار خرم و فرخنده روز کار و آراست مشک باد جهانرا بهشت وار
 باران بهمنی همه یا قوت کشت و در و آذار ابر کشت همه در آب دار
 صحرا همه زلاله و کگل را دو چید و سرخ گوئی بر آب عکس ستاره است بی شمار
 صاصل بغلغل اندر با بلبل از نشاط قمری سرود گوشه شده بر سر چنار
 من یار فاخته شده اند رفراق اوست او نزد یار خویش مرا هجر یار یار
 چون قبل از عوفی بوده لهذا می توان گفت که از خوشنویسان قرن هرات است
 عبدالرحمن (میر): از خطاطان معروف هرات است که پس از میر عناد خط

سندلیق را کسی بی پایه اوزیبا و مقبول ننوشته است.

میر عبدالرحمن اگرچه از معاصرین شاه محمود شد و زائی و پسر او شهر آه کامران بوده و با ایشان مصاحبت و الفت داشته است. مگر با آن هر دو درویش منش و متواضعی بوده است.

در خوشنویسی شاگردان چند مانند ملاحسین سلجوقی و نجف سلمانی و غیره تربیه نمود. شاعر هم بود. مادام الحیات در هرات بکمال عزت و اعتبار چیز بسته و مردبی بضاعت و فقیر بوده است. در سنه ۱۲۶۸ وفات یافته و در مصرخ در درون گنبد مقبره سادات هرات مدفون است.

چنانچه ملا ابوبکر تسلیم در قطعه نواریخ فوت او که فعلاً هم بر لوح هزارش منقوش است () میگوید:

(۱) صفحه ۲۴ - ۲۵ جهند ۲ لباب الالباب عوفی

(۲) کسکسیون سال ۴ مجله ادبی هرات مقاله

تارقم زد ز ازل لفظ اجل کلمک قضا
 شاه اقلیم خط و ماه فلک جام هنر
 آنکه از یکمک درر سلک همه عمر نکاست
 نور بینائی چشم خرد و جوهر جـ
 کلمات و قطعات خط نستعلیقش
 روح افزا همه چون جمع رخ حور چمنان
 حق بفر دوش از آن برد که از نوک قلم
 عاق هر قصر صد زین کند عشق افسشان
 چون بفر مان ادا جا اجل شد به بسبب
 ماند از بسا قی و تاریخ «خط خوب آن»

۱۲۶۸

عبد الغفور (ملا): از مشاهیر خطاطان هرات است

به انواع کمالات آراسته دور خط نسخ و ثلث معروف بود اما نسخ را نسبت
 به اکثر نسخ نویسان سلف بهتر می نوشت
 بامیر عبدالرحمن هروی معاصر و انیس بود میگوید قرآن مجید را به خط نسخ
 بانهایت زیبایی و استادی جهت پادشاه وقت (شا محمود سدوزائی) نوشت
 و ترجمه آنرا میر عبدالرحمن هروی که کمال است مستعدی وی را داشت به خط
 نستعلیق زیبا ارقام کرده است این هدیه مبارک نهایت مطلوب طبع واقع
 گردیده نگارنده آن بنوازشات زیاد نایل شد.

یکی از قطعات زیبای عبدالغفور که در چهار قلم یعنی بخط کوفی معقلی
 ثلث و نسخ نوشته شده معروفست.
 و در آن این فرد خوانده می شود:

دائم که خط نسخ بنامش منور است عبدالغفور کاتب قرآن داور است

بیشتر اوقات او به کلمات قرآن کریم صرف شده تاریخ وفات او معلوم نیست
 و در یکی از قطعات خود چنین امضاء نموده است: «کتبه اداعی لدوام الدوله الباهره

القاهره عبدالغفور فی سنه ۱۲۴۹ (۱) باقیدارد علی احمد نعیمی